



تحلیل سخنان امام حسین (علیه السلام) از مکه تا کربلا بر مبنای کنش گفتاری سرل

منیره زیبائی^۱، کوثر توکلی قوچانی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)^۱

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

چکیده

شخصیت امام حسین (علیه السلام) و واقعه‌ی عاشورا اهمیت زیادی در تاریخ و فرهنگ مسلمانان به خصوص شیعیان دارد و اندیشمندان زیادی در حوزه‌های مختلف، به ویژه علوم انسانی، در این باره کار کرده‌اند. یکی از این حیطه‌ها، تحلیل ارتباط کلامی امام با روش‌های جدید زبان‌شناسی است که نظریه‌ی کنش گفتاری یکی از آنهاست. تحلیل کنش‌های گفتاری سخنان و نامه‌های امام حسین (علیه السلام) از مکه تا کربلا، زمانی که تهدید امویان شکل جدی‌تری به خود گرفته‌است، می‌تواند اندیشه‌های نهان قیام حسینی و موقعیت ایشان و مردم را در آن زمان، به شکلی واقع‌گرایانه، بازنمایی نماید و زوایای پنهان آن را آشکار سازد. کنش گفتاری بر این پایه استوار است که سخن نه تنها بیان مطالب و توصیف آنهاست بلکه با تاثیری که بر مخاطب می‌گذارد اعمالی را در زندگی واقعی انجام می‌دهد. پژوهشگر در این تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری پنجگانه‌ی سرل انجام شده، بر آن است که ابتدا نظریه کنش گفتاری را معرفی کند و با اشاره به بافت کلی متن، نمایی فراگیر از آن زمانه و شخصیت خود امام (علیه السلام) ارائه کند؛ سپس با توجه به بافت موقعیتی خاص هر سخن، کنش‌های گفتاری حضرت را از مکه تا کربلا بررسی کند و بسامد آنها را بسنجد و معانی غیر مستقیم‌شان را دریابد. در آخر محقق به این نتیجه رسید که به دلیل تمرکز امام (علیه السلام) بر آگاهی‌بخشی، کنش اظهاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم بیشترین بسامد را دارد ولی کنش اظهاری مستقیم دارای معانی و کنش‌های غیرمستقیم دیگری از جمله ترغیبی، تعهدی و اعلامی است. بسامد کنش‌های عاطفی مستقیم و غیرمستقیم تفاوت چندانی ندارند ولی بسامد کنش‌های ترغیبی و تعهدی و اعلامی در حالت غیرمستقیم بیشتر به کار رفته‌است.

کلیدواژگان: سخنان امام حسین (علیه السلام)، نظریه‌ی کنش‌های گفتاری، جان سرل، کنش اظهاری

1- Email: monirehzibayi@ferdowsi.um.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

امام حسین (علیه السلام) قرن هاست که به عنوان نماد شجاعت، شهادت و آزادگی شناخته می شوند و واقعه کربلا، رویدادی اسطوره‌ای در میان ملت‌های مسلمان جهان است که اندیشمندان هنوز در حال بررسی ابعاد مختلف آن هستند. سخنان ایشان از مکه تا کربلا، زمانی که تهدید جان‌شان از جانب امویان، شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد، در بازنمایی ایدئولوژی ایشان و بافت موقعیتی حائز اهمیت بسیار است و تحلیل‌های زبان‌شناسی معاصر می‌تواند در این زمینه سهم به سزایی ایفا نماید.

کاربردشناسی به عنوان یکی از شاخه‌های نوین زبان‌شناسی، معنای پاره‌گفتارها را در بستر محیط و فضای مخصوص به خود بررسی می‌کند و خوانشی واقع‌بینانه به محقق ارائه می‌دهد زیرا در بررسی خود به بافت، توجهی ویژه دارد. یکی از مهم‌ترین نظریات مطرح در کاربردشناسی، نظریه کنش‌های گفتاری است. کنش‌های گفتاری، کنش‌های تعاملی هستند که نویسنده یا گوینده در گزاره‌ها و پاره‌گفتارهای خود از آنها استفاده می‌نماید و هدفش ایجاد تعامل با مخاطب است. گوینده در سخنان خود خواهان روی دادن مسئله‌ای است که در سخنانش نهفته است بنابراین در ارتباط زبانی کارهایی مانند درخواست کردن، محروم ساختن، امر و نهی کردن و... را انجام می‌دهد و از مخاطبش نیز انتظار بازخورد و عکس‌العمل دارد. تکیه نظریه کنش گفتاری بر کاری است که گوینده بر شنونده اعمال می‌نماید.

زبان‌شناسان و فیلسوفانی مانند آستین، فریزر، باخ و... به طبقه‌بندی و بررسی کنش‌های گفتاری پرداخته‌اند اما در این میان، آرای جان سرل از اهمیت زیادی برخوردار است. او که تحت تأثیر آستین به بررسی کارگفت‌ها پرداخت و در برخی موارد نظریات او را قبول نداشت، با در نظر گرفتن معیارهایی نظیر محتوای گزاره، حالت روان‌شناختی و نحوه انطباق گفتار با جهان خارج، آنها را به پنج دسته تقسیم کرده است که عبارت‌اند از ۱- کنش تعهدی، ۲- کنش ترغیبی، ۳- کنش عاطفی، ۴- کنش اعلامی و ۵- کنش اظهاری و این تقسیم‌بندی پایه‌ی پژوهش پیش رو قرار گرفته است.

۱-۲- پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه سخنان امام حسین (علیه السلام) پژوهش‌های زیادی کار شده است مانند: مقاله‌ی (تحلیل کنش گفتاری امام حسین (ع) در روز عاشورا) از طاهره ایشانی و نیره دلیر که در سال ۱۳۹۵ در مجله لسان مبین به چاپ رسیده است و پژوهشگران در این مقاله بدین

نتیجه رسیده‌اند که در روز عاشورا امام با کنش اظهاری به معرفی خود و خاندان خود پرداخته سپس با کنش ترغیبی و عموماً به شکل استفهامی درصدد بازاندیشی سپاهیان دشمن درباره موضع‌گیری خود بوده‌اند.

مقاله (تحلیل سخنان امام حسین (ع) از مدینه تا مکه برپایه ی کنش‌های گفتاری جان سرل) از محمدرضا بارانی و مهدیه پاکروان موجود است که در سال ۱۳۹۸ در مجله فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی منتشر شده است. محققان در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که کنش اظهاری بیش از دیگر انواع کنش‌ها به کار رفته‌است و براساس بافت موقعیتی و کنش‌های گفتاری، حرکت امام (علیه‌السلام)، عمل محسوب نمی‌شود بلکه عکس‌العمل به حساب می‌آید.

مقاله‌ی (بافت و کنش‌های گفتاری مناجات امام حسین (ع) در واپسین لحظات عمر) نوشته‌ی دکتر فضل الله میرقادری و مریم اشراق پور است که در سال ۱۳۹۵ در فصلنامه‌ی مطالعات علوم انسانی به چاپ رسیده‌است و نگارندگان اعلام نمودند که سیدالشهدا (علیه‌السلام) در آخرین لحظات عمر که در شرایط سخت روانی به سر می‌بردند و یاری جز خدا نداشتند بیشتر از کنش عاطفی و ترغیبی استفاده کرده‌اند.

باید گفت تاکنون کسی سخنان امام حسین (علیه‌السلام) را از مکه تا کربلا بر پایه‌ی نظریه‌ی سرل موردبررسی قرار نداده‌است.

۳-۱- پرسش‌های پژوهش

پژوهش پیش‌رو درصدد است تا بدین سوالات پاسخ دهد:

- ۱- کدام یک از کنش‌های گفتاری در سخنان امام حسین (علیه‌السلام) دارای بسامد بیشتری هستند و چرا؟
- ۲- تحلیل کنش‌های گفتاری در سخنان امام (علیه‌السلام) چگونه به فهم بهتر متن کمک می‌کند؟
- ۳- نقش بافت در بسامد کنش‌های گفتاری چیست؟

۴-۱- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- می‌توان در نظر گرفت که با توجه به شرایط موجود آن زمان امام (علیه‌السلام) بیشتر به دنبال اطلاع‌رسانی بوده‌اند بنابراین کنش اظهاری بسامد بیشتر در سخنان ایشان دارد.
- ۲- از آنجا که بررسی‌های کاربردشناسانه و مربوط به کنش‌های گفتاری ارتباط زیادی با بافت موقعیتی دارد لذا با در نظر گرفتن شرایط محیطی، وضعیت گوینده و شنونده در سخنان امام (علیه‌السلام)، کلام ایشان به‌صورتی عمیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تر کنکاش می‌شود و امکان رمزگشایی زوایای پنهان کلام ایشان فراهم می‌شود.

۳- بافت در بسامد کنش‌ها نقش به‌سزایی دارد مثلاً امام (علیه‌السلام) در موقعیت‌هایی از جمله دعا و بیان احساسات مثلاً خطاب به نزدیکانشان بیشتر از کنش عاطفی استفاده می‌کنند و در خطبه‌های عمومی خود که بیشتر به دنبال اطلاع‌رسانی هستند، کنش اظهاری بسامد زیادی دارد یا زمانی که بافت کلام حاوی امر و نهی و سوال از مخاطب است؛ کنش ترغیبی درصد فراوانی بیشتری را نشان می‌دهد.

۲- چهارچوب نظری

در این تحقیق، پژوهشگران ابتدا به مبانی زبان‌شناسی و کاربردشناسی سپس به توضیح نظریه کنش‌گفتاری اهتمام ورزیده‌اند؛ در قسمت پایانی و اصلی پژوهش، با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی کنش‌های گفتاری سخنان امام حسین (علیه‌السلام) مخصوصاً خطبه‌های ایشان از مکه تا کربلا بر اساس نظریه‌ی کنش‌گفتاری سرل در پنج دسته کنش ۱- تعهدی ۲- کنش ترغیبی ۳- کنش عاطفی ۴- کنش اعلامی و ۵- کنش اظهاری بررسی شده و در قالب جدول ارائه گردیده است.

۳- کاربرد شناسی

زبان‌شناسی دانشی است که زبان را به‌عنوان موضوعی علمی بررسی و آن را از نظر تاریخی و به روش تجربی و عقلی مطالعه می‌کند. وظیفه اصلی زبان‌شناسی توصیف و تحلیل ساختارهای واج‌شناسی، نحوی و معناشناسی زبان‌های طبیعی است و درصدد است که این کار را به روش علمی انجام دهد. (سرل، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۹) در حدود دهه‌ی ۶۰ زبان‌شناسان نظریاتی را مطرح کردند که انقلابی در زبان‌شناسی به وجود آورد. آن‌ها تفکر پراگی‌ها را احیا کردند که جریان رقیب زبان‌شناسی چامسکی بود. چامسکی به جمله‌بنیادی و عقل‌گرایی دکارتی اعتقاد داشت ولی این افراد به رویکردی کارکردگرا و نقش‌گرا گرایش داشتند؛ در نتیجه به بافت توجه می‌کردند، نگاهی گفتمان‌بنیاد به زبان داشتند و هرگز جمله را به‌عنوان یک واحد مستقل بررسی نمی‌کردند و کاربردشناسی^۱ را بنیان نهادند. (اروجی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۹۳-۹۱) کاربردشناسی یکی از شاخه‌های جدید زبان‌شناسی به شمار می‌رود و بر مبنای نظریه‌ی فلسفی پراگماتیسم استوار گشته است که حقیقت را چیزی می‌داند که به کار آید و در قرن نوزدهم در آمریکا سپس اروپا و سایر نقاط جهان شایع شد. (عکاشه، ۲۰۱۳: ۹) به شکلی دقیق‌تر، کاربردشناسی مطالعه‌ی معنا است، معنایی که گوینده یا نویسنده آن را منتقل و شنونده یا خواننده‌ی متن برداشت می‌کند؛ بنابراین،

^۱ - pragmatism

کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره‌گفتار^۱‌هایشان سروکار دارد تا با معنای خود عبارات و کلماتی که به کار می‌برند، پس می‌توان گفت این شاخه از زبان‌شناسی، بررسی منظور گوینده است. (یول، ۱۳۸۵: ۱۱) و به این می‌پردازد که افراد چگونه معنا را بدون آنکه به زبان آمده یا نوشته شده باشد تشخیص می‌دهند. (یول، ۱۳۸۸: ۱۵۶) نظریه‌های کنش‌گفتاری و توجه به بافت در حیطه‌ی کاربردشناسی قرار می‌گیرد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۳-۱- نظریه کنش‌گفتاری

این نظریه در ذیل مباحث کاربردشناسی گنجانده شده است و گسترده‌ترین مبحث آن به شمار می‌رود؛ زیرا این‌گونه تحلیل زبانی فراتر از سطح واژگان، ساختارهای نحوی و معناشناختی حاکم بر آن است. (صانعی پور، ۱۳۹۰: ۲۴) در نظریه کنش‌های گفتاری فرض بر این است که افراد برای بیان منظور خویش تنها پاره‌گفتارهایی حاوی ساختارهای دستوری و کلمات تولید نمی‌کنند، بلکه با استفاده از آن پاره‌گفتارها، کارهایی را نیز انجام می‌دهند که به وسیله‌ی قوانین خاصی که برای استعمال مولفه‌های زبانی وجود دارد صورت می‌پذیرند؛ مثلاً اگر شما در مکانی کار کنید که رئیسش اختیارات زیادی دارد، بیان این پاره‌گفتار از جانب او تنها یک گزاره نیست: شما اخراجید! این پاره‌گفتار می‌تواند به منزله‌ی کنشی باشد که به اشتغال شما پایان می‌دهد. در نتیجه اعمالی که پاره‌گفتارها انجام می‌دهند عموماً کنش‌های گفتاری نامیده می‌شوند. (یول، ۱۳۸۵: ۶۶) نظریه کنش‌گفتاری در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹ و در سخنرانی‌ها و درس گفتار جان آستین، فیلسوف برجسته آکسفورد که به بررسی زبان روزمره می‌پرداخت، شکل گرفت. این نظریه به این مسئله توجه دارد که چگونه در بافتی معین، گفته‌ها به خودی خود کاری را انجام می‌دهند. (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۳۸-۲۳۷) پس از آستین شاگرد او، سرل، در دهه ۱۹۵۰ توانست به تعدیل و شرح آرای آستین بپردازد. او در گسترش و پیشبرد زبان‌شناسی آمریکا در نیمه‌ی دوم قرن بیستم نقش موثری داشت و در آثار خود با معرفی انواع کنش‌های منظوری و تعریف هریک از آن‌ها بر اساس شرایط به‌جایی^۲ و همچنین با مرتبط ساختن نظریه‌ی کنش‌گفتاری با مسائل کلی‌تر فلسفه‌ی زبان، سیر تفکر آستین را دنبال نمود. در آخرین خطابه از کتاب چگونگی کار با کلمات، آستین با استفاده از بار منظوری به تقسیم‌بندی انواع پاره‌گفتارها می‌پردازد. جان سرل نیز از او پیروی می‌کند ولی تقسیم‌بندی دیگری ارائه می‌دهد. (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۷-۲۱۶) اطلاعات کنش‌های گفتاری پنجگانه سرل به صورت خلاصه در جدول زیر تنظیم شده است:

1 - utterance

2 - felicitates

کنش گفتاری	تطبيق	رابطه گوینده و موقعیت ^۱
اظهاری	سخن، مطابق با جهان باشد	گوینده به موقعیتی باور دارد
تعهدی	جهان با سخن تطبیق پیدا کند	گوینده به دنبال موقعیتی است
ترغیبی	جهان با سخن تطبیق پیدا کند	گوینده موقعیتی را می خواهد
اعلامی	سخن، جهان را تغییر دهد	گوینده با سخن، موقعیتی را به وجود می آورد
عاطفی	سخن مطابق جهان باشد	گوینده حالتی را احساس می نماید

طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری (بصره، ۲۰۱۷: ۷۶)

نکته مهم نظریه سرل این است که کنش‌های گفتاری غیرمستقیم معرفی نمود که منظور: «کارگفت‌هایی هستند که کنش منظوری‌شان به‌طور غیرمستقیم و به‌واسطه کنش منظوری دیگری انجام می‌شود». می‌توان گفت هرگاه میان معنای موردنظر گوینده و معنای جمله تطابق وجود داشته باشد؛ کنش گفتاری، از نوع مستقیم است؛ اما اگر مطابقتی وجود نداشته باشد، کنش گفتاری غیرمستقیم است. (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۷) همچنین نکته‌ی مهم درمورد دسته‌بندی کنش‌های گفتاری، این است که در یک پاره گفتار منحصرأ یک نوع از کنش گفتاری وجود ندارد؛ بلکه می‌تواند چندین کنش گفتاری را در خود جای بدهد. در این صورت کنش گفتاری، ترکیبی^۲ نامیده می‌شود. (ورشوئرن، ۱۹۹۹: ۲۴) برای مثال: «اگر یک‌بار دیگر تکرار شود به مدیر اطلاع خواهم داد.» دارای کنش ترغیبی (ترغیب به تکرار نکردن آن کار) و تعهدی (اطلاع دادن به مدیر) است.

۳-۲- بافت در کاربردشناسی

اصطلاح بافت با پژوهش‌های کاربردشناسانه رابطه مستقیمی دارند به‌گونه‌ای که با بیشتر شدن تحقیقات کاربردشناسی، بافت هم بیشترمورد توجه محققان قرار گرفت و با گذر از چهارچوب‌های زبانی محض به بافت اجتماعی و روان‌شناسی و فرهنگی و... بیشتر پرداخته‌شد به‌گونه‌ای که کارنآپ آن را پایه و اساس زبان‌شناسی می‌داند. (اوشان، ۱۴۲۱: ۱۶)

در یک کاربری زبانی معمولی و روزمره، زمانی میان گوینده و شنونده تبادل معنایی صورت می‌گیرد که یک حداقل اطلاعات و دانایی بین‌شان اشتراک داشته باشد تا متکلم با استفاده از این حداقل‌های معنایی، کاربری زبانی خود را طراحی و تولید کند و از طرفی دیگر نیز مخاطب با تکیه بر این حداقل دانایی که در اختیار دارد بتواند کلام گوینده را تفسیر کند، پس پژوهشگر در

^۱ - situation

^۲ - hybrids

تحقیقات کاربردی شناسی و کنش گفتاری نیازمند به بررسی این اطلاعات مشترک است. در نظریه‌ی کنش گفتاری این دانایی و اطلاعات مشترک در بافت موقعیتی، منحصر می‌گردد. در کاربردشناسی، گوینده و شنونده با مجموع اطلاعات خود درباره‌ی عناصر زمان، مکان و اجتماع، کنش‌های قبلی و بعدی و در حال اجرا، آگاهی از جایگاه و نقش مخاطب و متکلم، آگاهی از موقعیت مکانی و زمانی گفتگو و دیگر مواردی مانند تشریفات، موضوع و محور اصلی گفتگو و... با یکدیگر بافت را تشکیل می‌دهند. (صانعی پور، ۱۳۹۰: ۶۸-۶۵)

در این پژوهش نگارنده بر آن است که بافت موقعیتی را در قالب سه مولفه ۱- زمان و مکان ۲- شخصیت شنونده یا شنوندگان و اطلاعات، خواسته‌ها و موقعیت اجتماعی‌شان و ۳- شخصیت گوینده و خواسته‌هایش، بررسی نماید

بافت موقعیتی در سال ۶۰ هجری سنت‌های جاهلی، انحرافات مسلمانان و مال‌دوستی ایشان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قدرتمندی و سرکوبگری امویان در سایه‌ی بی‌خبری تازه مسلمانان، بی‌توجهی عامه‌ی مردم و گرایش به عدم تفرقه و... وضعیتی پدید آورد و مسلمانانی را پرورش داد که حضرت به‌عنوان امام سوم شیعیان، با خطبه، نامه و سخنان پراکنده درصدد بیداری و آگاهی‌شان بودند. امام (علیه السلام) در بیست‌وهفت رجب، دوازده روز پس از مرگ معاویه، سفر خود را آغاز کردند و سوم شعبان به مکه رسیدند. ۱۳۰ روز را در آنجا سپری کردند سپس در هشتم ذی‌الحجه به‌طرف کوفه به راه افتادند و پس از بیست‌وچهار روز، در دوم محرم سال شصت‌ویک هجری به کربلا رسیدند. (سنگری، ۱۳۸۶: ۱۳۵) منازل امام(ع) میان مکه و کربلا بر اساس معجم البلدان عبارت‌اند از صفاح، ذات عرق، حاجز، خزیمه، زرود، ثعلبیه، شقوق، زباله، شراف، ذو حسم، بیضه، رهیمه، قادیسیه، عذیب الهجانات، قصر بنی مقاتل، نینوا، کربلا. در مناقب، ترتیب منازل طی شده چنین گزارش شده‌است: ذات عرق، حاجز، خزیمه، ثعلبیه، شقوق، شراف، عذیب الهجانات، کربلا. (سنگری، ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۳۷)

۴- بررسی سخنان اباعبدالله (علیه السلام) از مکه تا کربلا

در این قسمت به بررسی گفته‌های حضرت پرداخته می‌شود که به دلیل حجم زیاد سخنان ایشان، برای نمونه خطبه‌های اصلی که در زمان و مکان‌های مختلف ایراد شده‌اند مورد توجه قرار گرفته‌است.

۴-۱- خطبه امام (علیه السلام) قبل خروج از مکه

سیدالشهدا یک روز قبل خروج از مکه خطبه‌ای ایراد می‌کنند که تنها خطبه‌ی ایشان در زمان سکونت‌شان در مکه است و در آن به اتمام حجت می‌پردازند:

«الحمد لله وما شاء الله ولا حول ولا قوة إلا بالله وصلى الله على رسوله وسلم خط الموت على ولد آدم مخط القلادة على جيد الفتاة وما أولهني إلى أسلافي اشتياق يعقوب إلى يوسف وخير لي مصرع أنا لاقيه، كآتي بأوصال يتقطّعها عسلان الفلوات بين النواويس وكربلاء فيمتلآن مني أكراشا جوفاً وأجربة سغباً لا محيص من يوم خط بالقلم رضی الله رضانا أهل البيت نصبر على بلائه ويوفينا أجور الصابرين لن يشذ عن رسول الله لحمته وهي مجموعة له في حظيرة القدس تقربهم عينه ويتجز لهم وعده، من كان فينا باذلاً مهجته وموطناً على لقائنا نفسه، فليرحل، فإني راحل مصباحاً إن شاء الله.» (السيد بن طاووس، د.ت: ص ۶۱)

سپاس برای خداست. آنچه خدا بخواهد همان می‌شود و هیچ نیرویی جز او نیست و درود و سلام خدا بر پیامبرش باد. مرگ برای فرزندان انسان همچون جای گردنبند بر گردن دختران ملزوم شده‌است. من به مانند اشتیاق یعقوب به یوسف، دلتنگ دیدار گذشتگانم هستم. به سمت قتلگاهی می‌روم که برایم انتخاب شده‌است. گویا می‌بینم که گرگ‌های بیابان در میان نواویس و کربلا اعضای بدنم را قطعه‌قطعه می‌کنند و از من، شکم‌های گرسنه و انبان‌های خالی‌شان را پر می‌نمایند. از پیامدی که با قلم قضا نگاشته شده‌است گریزی نیست. ما بر آنچه خدا راضی است خشنودیم. بر سختی‌هایش صبر می‌کنیم و او پاداش صابرين را به ما می‌بخشد. میان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و گوشت تنش (فرزندانش) جدایی نخواهد افتاد، کسانی که در بهشت، در کنارش آرام گرفته و باعث شادی او خواهند بود و وعده‌اش به وسیله‌ی آنان محقق خواهد شد. هرکس که در راه ما از خون خود بگذرد و جان‌ش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند، باید آماده سفر باشد که من صبحگاهان حرکت خواهم کرد ان شاء الله. (نجمی، ۱۳۸۱: ۸۰)

۴-۱-۱- بررسی بافت موقعیتی

۴-۱-۱-۱- زمان و مکان

هفتم ذی الحجه سال شصت، مکه. (عطاردی، د.ت: ج ۱، ۶۴)

۴-۱-۱-۲- شنونده

این خطبه در میان یاران و شیعیان اباعبدالله (علیه السلام) ایراد شد. (نجمی، ۱۳۸۱: ۷۹) با اینکه در خطبه اشاره شده‌بود که هرکس همراه ایشان به طرف کوفه حرکت کند به شهادت می‌رسد برخی از افراد حاضر برای رسیدن به مقام و برخی به گمان اینکه شمشیر بر پسر پیامبر کارساز نیست در سفر به کوفه ایشان را همراهی نمودند. (سنگری، ۱۳۸۶: ج ۱، ۱۱۷) لازم به ذکر است

که تعداد شیعیان و موالی و خانواده امام (علیه السلام) که ایشان را در زمان خروج از مکه همراهی کردند ۸۲ تن بود. (خوارزمی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۳۱۷)

۴-۱-۱-۳-گوینده

در این خطبه، تنها خطبه‌ی عمومی است که امام حسین (علیه السلام) در مکه ایراد می‌کنند. ایشان طی آن، به‌صورت علنی از شهادت خود سخن می‌گویند، به منزلت خود در نزد پیامبر اشاره می‌نمایند و تصمیم‌شان را دال بر رفتن به کوفه بیان می‌کنند و افراد را در تصمیم‌گیری در همراهی یا عدم همراهی، مختار می‌گذارند.

۴-۱-۱-۴- بررسی کنش‌های گفتاری

بررسی کنش‌های گفتاری خطبه‌ی امام (علیه السلام) قبل از خروج از مکه

پاره گفتار	کنش گفتاری مستقیم	کنش گفتاری غیر مستقیم
الحمد لله وما شاء الله ولا حول ولا قوة إلا بالله و صلى الله على رسوله وسلم	عاطفی	اعلامی
خط الموت على ولد آدم مخط القلادة على جيد الفتاة	اظهاری	
وما أولهني إلى أسلافي اشتياق يعقوب إلى يوسف	عاطفی	
وخير لي مصرع أنا لاقيه كأني بأوصال يقطعها عسلان الفلوات بين النواويس وكربلاء فيمتلآن مني أكراشا جوفاً وأجرية سغباً	اظهاری	
لا محيص من يوم خط بالقلم رضى الله رضانا أهل البيت، نصبر على بلائه ويوفينا أجور الصابرين	اظهاری	
لن يشذ عن رسول الله لحمة وهي مجموعة له في حظيرة القدس تقر بهم عينه ويتنجز لهم وعده	اظهاری	
من كان فينا باذلاً مهجته وموطناً على لقائنا نفسه فليرحل	ترغیبی و اظهاری	
فإني راحل مصباحاً إن شاء الله	اظهاری	تعهدی

اولین پاره گفتار به دلیل محتوای دعایی، ظاهراً کنش عاطفی است اما چون نشان‌دهنده‌ی شروع یک خطبه است، کنش اعلامی غیر مستقیم نیز دارد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود کنش اظهاری بیشترین بسامد را در این خطبه داراست؛ زیرا امام (علیه السلام) بیش از هرچیز به خبر دادن و روشن کردن حقایق توجه دارند و به دنبال این نیستند که با لفظ‌پردازی، افراد بیشتری را به خود جذب کنند. حضرت از مکه تا کربلا و در

خطبه‌های عمومی خود خطاب به همراهان‌شان، زمانی که خواهان دادن اختیار به افرادشان هستند با استفاده از امر غائب مسائل را مطرح کرده‌اند. بدین صورت که ابتدا وضعیت را روشن نموده سپس با استفاده از امر غائب، اجازه می‌دهند که افراد برای خود تصمیم بگیرند. ایشان در آخر خطبه خود فرموده‌اند: «من کان فینا باذلاً مهجته وموطناً علی لقائنا نفسه فلیرحل» در این پاره‌گفتار علاوه بر اینکه از عاقبت همراهان خود خبر داده و کنش اظهاری به کار برده‌اند، به سفر نیز امر نموده‌اند و از کنش ترغیبی استفاده نموده‌اند. ایشان به دنبال اتمام حجت بر افراد و یاری برخاسته از معرفت و تفکر بودند. در آخرین پاره‌گفتار، اباعبدالله (علیه السلام) خبر داده‌اند که فردا صبح حرکت خواهند کرد و غیرمستقیم خود را متعهد به حرکت می‌کنند بنابراین دو کنش اظهاری و تعهدی در اینجا رویت می‌گردد.

۲-۴- خطبه‌ی امام (علیه السلام) در شراف و دادن خبر شهادت یاران

در منزلگاه زباله، نامه‌ای از شیعیان کوفه به دست اباعبدالله (علیه السلام) رسید که در آن خبر شهادت مسلم، هانی و قیس بن مسهر و یا عبدالله بن یقطر را داده بود. ایشان پس از خواندن آن نامه خطبه‌ای کوتاه برای همراهان‌شان ایراد نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم، أما بعد، فإنه قد أتانا خبرٌ فظيغٌ، قَتَلَ مسلم بن عقيل وهاني بن عروة وعبدالله بن يقطر، وقد خَذَلْنَا شِيعَتُنَا، فمن أحبَّ منكم الانصرافَ فليَنصِرِفْ غيرَ حرجٍ، ليسَ عليه ذمَامٌ. (خوارزمی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۳۲۸؛ المفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۷۵)

اما بعد، همانا خبر ناگوار قتل مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر به ما رسیده‌است. شیعیان‌مان ما را تنها گذاشتند، هر کدام از شما که خواهان رفتن است، برود؛ اعتراض و نکوهشی بر او نیست.

۱-۲-۴- بررسی بافت موقعیتی

۱-۲-۴-۱- زمان و مکان

۲۲ یا ۲۳ ذی الحجه سال شصت هجری، منزلگاه ثعلبیه یا زباله. (هیئت تحریریه انجمن کادح، ۱۳۹۳: ج ۲، ۷۱)

۱-۲-۴-۲- شنوندگان

همان‌طور که قبلاً اشاره شد منزلگاه زباله و یا به قولی ثعلبیه، اولین پالایشگاهی بود که در یاران سیدالشهدا در آنجا غربال گشتند. مخاطبان امام (علیه السلام) در اینجا همراهان‌شان بودند و با اعلام خبر شهادت یاران در کوفه، افراد نفع‌جو متفرق شدند تا جایی که فقط یارانی که از حجاز ایشان را همراهی می‌کردند باقی ماندند. (الطبری، ۱۸۷۹: ج ۴، ۳۰۱-۳۰۰)

۴-۲-۱-۳-گوینده

امام (علیه السلام) می‌دانستند که برخی از همراهان‌شان با این فکر که مردم کوفه فرمانبردار سیدالشهدا (علیه السلام) هستند به ایشان پیوسته‌اند؛ بنابراین به دنبال آگاه‌بخشی یاران‌شان بودند تا آنها بدانند که در چه کاری وارد می‌شوند. (همان) در اینجا برای امام روشن شده بود که رفتن به کوفه با توجه به مسائل سیاسی درست نیست، اما طبعاً چیزی فراتر از سیاست برای ایشان مطرح بوده است که به راه خود ادامه می‌دهند که باید حسابش را از مسائل مادی جدا دانست. (هیئت تحریریه انجمن کادح، ۱۳۹۳: ۱۲۷) امتناع ایشان از بازگشت علاوه بر اینکه مقتضای عظمت روحی ایشان بود احتمال دیگری را روشن می‌سازد، اینکه با ورود به کوفه بار دیگر اوضاع تغییر کند. این احتمالی عاقلانه بود زیرا ابن زیاد درصدد جلوگیری از آن، حدود و ثغور را بست و رفت‌وآمدها را کنترل و رابطه‌ی کوفه را با دیگر مناطق قطع کرد و در نتیجه، سید الشهدا (علیه السلام) را قبل از رسیدن به کوفه، محاصره کردند. (حجتی کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۹۷)

۴-۲-۱-۴- بررسی کنش‌های گفتاری

بررسی کنش‌های گفتاری خطبه‌ی عمومی امام (علیه السلام) در شراف

پاره گفتار	کنش گفتاری مستقیم	کنش گفتاری غیر مستقیم
أَمَّا بَعْدُ	عاطفی	اظهاری
فَإِنَّهُ قَدْ أَتَانَا خَبْرُ فَطِيعٍ، قَتَلَ مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ، وَهَانِيَّ بْنَ عُرْوَةَ، وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ يَقْطَرٍ، وَقَدْ خَذَلْنَا شِيعَتَنَا	اظهاری	
فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ الْإِنْصِرَافَ فَلْيَنْصِرِفْ غَيْرَ حَرْجٍ، لَيْسَ عَلَيْهِ ذِمَامٌ	اظهاری و ترغیبی	عاطفی

از آنجایی که هدف اصلی امام حسین (علیه السلام) رساندن خبر به افرادشان بود، کنش اظهاری بیشترین بسامد را دارد، زیرا زمانی که گوینده از جهان به آن شکلی که هست، سخن بگوید؛ کنش اظهاری نمایان می‌گردد و در اینجا امام (علیه السلام) با استفاده از «إِنَّ» و «قَدْ»، اسلوبی تأکیدی را در سخنان‌شان به نمایش می‌گذارند که جای هیچ شک و شبهه‌ای را برای مخاطبِ مردد باقی نگذارند. کنش ترغیبی موجود در آخرین پاره گفتار به شکل امر غائب ظاهر شده است. در صفحات قبلی اشاره شد که حضرت در مواقعی که اتفاق یا تصمیمی داشتند ابتدا با کنش اظهاری به بیان مسائل پرداخته سپس با فعل امر غائب، به افراد خود حق انتخاب می‌دهند. در این خطبه نیز قضیه از همین قرار است اما می‌توان حالت دیگری را نیز در نظر گرفت، اینکه از

نظر حضرت، افرادی که با تغییر وضعیت به حمایت خود از ایشان ادامه نمی‌دهند، غائب محسوب می‌شوند. این مسئله را می‌توان بیانگر احساس امام (علیه‌السلام) دانست، بنابراین در این پاره‌گفتار، کنش عاطفی غیرمستقیم وجود دارد. در همین جا اعلان کرده‌اند که نکوهشی نسبت به این افراد روا نمی‌دارند؛ زیرا درصدد این نیستند که افراد را با اکراه در سپاه خود حفظ کنند.

۴-۳- خطبه‌های امام (علیه‌السلام) خطاب به لشکریان حر

در منزلگاه ذوالحسم کاروان امام حسین (علیه‌السلام) با حر و لشکریانش مواجه شد و ایشان پیش از نماز ظهر خطبه‌ای ایراد فرمودند:

«إِيَّهَا النَّاسُ، إِنِّهَا مَعْدَرَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ إِنِّي لَمْ آتِكُمْ حَتَّى أَتَنِّي كِتَابَكُمْ، وَقَدِمْتُ عَلَيَّ رَسَلَكُمْ أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَنَا إِمَامٌ، لَعَلَّ اللَّهَ يَجْمَعُنَا بِكَ عَلَى الْهَدْيِ، فَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى ذَلِكَ، فَقَدْ جُنْتُكُمْ، فَإِنْ تَعَطَوْنِي مَا أَطْمَأَنِّ إِلَيْهِ مِنْ عَهْدِكُمْ وَمَوَاقِفِكُمْ، أَقْدِمُ مَصْرَكُمْ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَكُنْتُمْ لِمَقْدَمِي كَارِهِينَ، انصرفت عنكم إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَقْبَلْتُ مِنْهُ إِلَيْكُمْ.» (ابومخنف، ۱۳۹۸: ۸۳)

ای مردم این عذری است به خدا و شما، من تا زمانی که نامه‌هایتان به دستم نرسید و فرستادگان‌تان نزد من نیامدند به طرف‌تان حرکت نکردم. نامه‌هایی که در آن گفته‌بودید که به پیش ما بیا که امامی نداریم و امید است خدا به وسیله‌ی تو ما را بر هدایت جمع نماید. اگر بر همان تصمیم هستید، به‌سوی‌تان آمدم و اگر چیزی به من بدهید که عهد و میثاق‌هایتان را اطمینان بخشد، به شهرتان وارد می‌شوم. اگر چنین نمی‌کنید و آمدنم را ناخوش می‌دارید، به جایی که از آن آمدم باز می‌گردم.

پس از این خطبه همه افراد از جمله لشکریان حر نماز ظهر و عصر را به امامت سیدالشهدا برپا داشتند. بعد از نماز عصر، ایشان خطبه‌ای دیگر ایراد نمودند:

«إِيَّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ، يَكُنْ أَرْضِي لِلَّهِ عَنْكُمْ، وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُولَى بُولَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمَدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ، وَالسَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالْجَوْرِ وَالْعَدْوَانِ، فَإِنْ أَبَيْتُمْ إِلَّا الْكَرَاهَةَ لَنَا، وَالْجَهْلَ بِحَقِّنَا، وَكَانَ رَأْيُكُمْ الْآنَ غَيْرَ مَا أَتَنِّي بِهِ كِتَابَكُمْ، وَقَدِمْتُ بِهِ عَلَيَّ رَسَلَكُمْ انصرفت عنكم.» (الطبرسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۴۴۸)

ای مردم اگر شما تقوا پیشه می‌کنید و حق را به اهلش می‌دهید خدا از شما راضی تر است. ما اهل بیت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به ولایت این امر بر شما از این مدعیانی که چیزی از آن‌شان نیست و در میان‌تان با ستم و دشمنی رفتار می‌کنند، شایسته‌تر هستیم. پس اگر از آزار و نادانی نسبت به حق ما ابا ندارید و اکنون نظرتان با آنچه که در نامه‌هایتان به من رسیده‌است و فرستادگان‌تان آورده‌اند متفاوت است، باز می‌گردم.

۴-۳-۱- بررسی بافت موقعیتی

۴-۳-۱-۱- زمان و مکان

۲۷ ذی الحجه سال شصت هجری، ذو الحسم. (هیئت تحریریه انجمن کادح، ۱۳۹۳: ج ۲، ۷۱)

۴-۳-۱-۲- شنونده

لشکریان حر حدود هزار نفر بودند که یک چهارم سپاه عمر سعد را تشکیل می‌دادند. حصین بن نمیر برای کنترل و خبر داشتن از امام (علیه السلام) آن‌ها را فرستاده بود. از قراین چنین پیداست که این افراد قصد جنگ و دشمنی با سیدالشهدا را نداشتند اما از طرف دیگر به یاری ایشان نیز علاقه‌مند نبودند. این افراد در پاسخ اولین خطبه‌ی سید الشهدا (علیه السلام) سکوت می‌کنند و پس از خطبه دوم، حر از مسئله نامه‌ها، اظهار بی‌خبری کرد. او هنگامی که نامه‌های کوفیان را دید اذعان داشت که خود و همراهانش جزء نویسندگان نبوده‌اند. حر و سپاهیان در عین حال که حرمت اباعبدالله (علیه السلام) را به‌عنوان نوه پیامبر و پسر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نگاه می‌داشتند، از دستورات ابن زیاد نیز پیروی می‌کردند به گونه‌ای که نماز را به امام اقتدا می‌کنند. سپس فرمان عبیدالله مبنی بر زیر نظر گرفتن و تحویل دادن امام (علیه السلام) به کوفه را اجرا می‌کنند. لازم به ذکر است که نباید از نقش برخورد صلح‌جویانه‌ی امام (علیه السلام) با دشمنان در کسب احترام آنها، غفلت ورزید. (ابومخنف، ۱۳۹۸: ۸۴)

۴-۳-۱-۳- گوینده

زمانی که در ذو الحسم امام (علیه السلام) با سپاه حر روبرو شدند، به یاران‌شان دستور دادند که افراد و مرکب‌های سپاه مقابل را سیراب کنند. هنگام نماز ابتدا خطبه‌ای خواندند و دلیل آمدن‌شان را نامه‌های کوفیان برشمردند و اعلام کردند اگر نظر کوفیان آنچه در نامه‌هایشان نوشتند نیست، برمی‌گردند. پس از نماز عصر، امام (علیه السلام) خطبه‌ی دوم را ایراد کردند و سپاهیان حر را به تقوا دعوت نموده و جایگاه خود و امویان را یادآور شدند و دوباره اعلام کردند که اگر کوفیان از آمدن ایشان کراهت دارند، برمی‌گردند.

با اظهار بی‌خبری حر از نامه‌ها، امام (علیه السلام) دستور دادند که خورجین نامه‌ها را خالی کرده و رسائل را نشان دادند و حر گفت که ایشان از نویسندگان نامه نبوده‌اند. او درصدد انجام ماموریت خود برآمد که با مخالفت شدید امام مواجه شد و تن به خواسته‌ی او ندادند. (همان)

۴-۳-۱-۴- بررسی کنش‌های گفتاری

بررسی کنش‌های گفتاری اولین خطبه‌ی امام (علیه السلام) با لشکریان حر

پاره گفتار	کنش گفتاری مستقیم	کنش گفتاری غیر مستقیم
أَيُّهَا النَّاسُ	ترغیبی	
إنها معذرة إلى الله عز وجل وإليكم	اظهاری	
إني لم آتكم حتى أتتني كتبكم وقدمت على رسلكم أن أقدم علينا فإنه ليس لنا إمام لعل الله يجمعنا بك على الهدى	اظهاری	
فإن كنتم على ذلك فقد جئتمكم	اظهاری	
فإن تعطوني ما اطمأن إليه من عهودكم ومواثيقكم أقدم مصركم	ترغیبی و تعهدی	
وإن لم تفعلوا وكنتم لمقدمي كارهين انصرفت عنكم إلى المكان الذي أقبلت منه إليكم	تعهدی	

...

بررسی کنش های گفتاری دومین خطبه ی امام (علیه السلام) با لشکریان حر

پاره گفتار	کنش گفتاری مستقیم	کنش گفتاری غیر مستقیم
أَيُّهَا النَّاسُ	ترغیبی	
إنكم إن تتقوا الله وتعرفوا الحق لأهله يكن أرضى الله عنكم	اظهاری	ترغیبی
ونحن أهل بيت محمد صلى الله عليه وآله وسلم أولى بولاية هذا الأمر عليكم من هؤلاء المدعين ما ليس لهم، والسائرين فيكم بال جور والعدوان	اظهاری	ترغیبی
فإن أبيتم إلّا الكراهة لنا، والجهل بحقنا، وكان رأيكم الآن غير ما أتتني به كتبكم،	تعهدی	

پاره‌گفتار	کنش گفتاری مستقیم	کنش گفتاری غیر مستقیم
وقدمت به علیّ رسلکم انصرفت عنکم		

کنش اظهاری در اولین خطبه‌ی حضرت بسامد بالایی دارد، زیرا ایشان در قدم نخست از خواسته‌ی مردم کوفه و نامه‌هایشان به مخاطب اطلاع می‌دهند سپس دو حالت را متصور می‌شوند، اولین حالت این است که سپاهیان حر خواهان ورود ایشان هستند که در این صورت باید ضمانتی به ایشان بدهند تا حضرت وارد شهر شوند؛ بنابراین کنش ترغیبی و تعهدی باهم در پاره‌گفتار به کار رفته‌است. حالت دیگر این است که کوفیان علاقه‌ای به حضور ایشان ندارند که در این صورت امام تعهد می‌دهند که برمی‌گردند و کنش تعهدی را به کار می‌برند و خطبه را به اتمام می‌رسانند.

در خطبه دوم کنش ترغیبی بسامد بالایی دارد. سیدالشهدا (علیه‌السلام) ابتدا به مخاطبان می‌گویند اگر تقوا پیشه کنند، خدا از ایشان راضی‌تر خواهد بود. این مسئله‌ای بدیهی است و قالب بیان آن کنش اظهاری است؛ اما چون گوینده در باطن، مخاطب خود را به تقوا دعوت می‌کند، دارای کنش ترغیبی غیرمستقیم است. پاره‌گفتار بعدی اباعبدالله (علیه‌السلام) نیز به موقعیت امام و خانواده‌شان و خلفای ناحق اشاره دارد و در ظاهر دارای کنش اظهاری است اما غیرمستقیم مخاطب را از پیروی از ستمگران، نهی و به فرمانبرداری از خود دعوت می‌کند و مانند پاره‌گفتار قبلی، کنش ترغیبی غیر مستقیم دارد. اباعبدالله (علیه‌السلام) در آخر، دوباره تعهد داده‌اند که اگر کوفیان، خواهان حضورشان نیستند، برمی‌گردند.

۴-۴- خطبه عمومی امام (علیه‌السلام) در منزلگاه بیضه

سیدالشهدا قبل در منزلگاه بیضه برای یاران خود و سپاهیان کوفه خطبه‌ای ایراد کردند و به اتمام حجت پرداختند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا، مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفَعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ، أَوْ لَا وَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزَمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَأَظْهَرُوا الْفُسَادَ، وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَاءِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ وَأَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ. قَدْ أَتَيْتُنِي كِتَابُكُمْ، وَقَدِمْتُمْ عَلَيَّ رَسَلَكُمْ بِيَعْتَكُمْ أَنْكُمْ لَا تَسْلُمُونِي وَلَا تَخْذُلُونِي فَإِنْ تَمَّتْ عَلَيَّ بِيَعْتُكُمْ تَصِيَّبُوا رَشْدَكُمْ، فَأَنَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِيكُمْ، فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَنَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ وَخَلَعْتُمْ بِيَعْتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، فَلَعْمَرِي مَا هِيَ لَكُمْ بَنَكْرٌ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَأَخِي وَابْنِ عَمِّي مُسْلِمٌ، وَالْمَغْرُورُ

من اغترّ بكم، فحفظكم أخطأتكم، ونصيبكم ضيَّعتم ومن نكث فإنما ينكث على نفسه، وسيغني الله عنكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. » (ابومخنف، ۱۳۹۸: ۸۵)

ای مردم! همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام‌های خدا را حلال نموده، عهد خدا را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت کرده‌است و در میان بندگان خدا به گناه و تجاوز رفتار می‌کند و با زبان و کردارش با او مخالفت نکند، سزاوار است که خدا او را در جایگاه آن سلطان ستمگر قرار دهد. بدانید این گروه (بنی امیه) از شیطان بسیار اطاعت می‌کنند و پیروی از خداوند را ترک کرده‌اند. فساد را آشکار ساخته و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند و بیت المال را برای خود درآورده، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام نموده‌اند و من به تغییر و مخالفت از بقیه شایسته‌ترم. نامه‌های شما به دستم رسید و فرستادگانتان خبر بیعت‌تان را برایم آوردند (و گفتند) مرا تسلیم دشمنان و خوار نمی‌کنید. اکنون اگر تمام و کمال بر بیعت خود هستید، به رشد و کمال می‌رسید، من حسین بن علی (علیه السلام) و فرزند فاطمه دختر رسول خدا هستم. جانم همراه با جان‌هایتان و خانواده‌ام در کنار خانواده‌تان است. اسوه شما من هستم.

و اگر چنین نکردید و پیمان‌تان را شکسته‌اید و بیعت‌تان را از گردن‌تان برداشته‌اید، به جانم قسم که این رفتار از شما زشت نیست، زیرا با پدر و برادر و پسرعمویم مسلم، همین گونه رفتار کردید. فریب خورده کسی است که فریب شما را بخورد. در بهره‌تان خطا کردید و از دستش دادید. (سپس آیه قرآن را می‌خوانند) هر کس عهدشکنی کند، تنها به ضرر خود پیمان شکسته‌است. خدا مرا از شما بی‌نیاز خواهد کرد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۴-۴-۱- بررسی بافت موقعیتی

۴-۴-۱- زمان و مکان

۲۷ ذی الحجه سال شصت هجری، بیضه. (هیئت تحریریه انجمن کادح، ۱۳۹۳: ج ۲، ۷۱)

۴-۴-۲- شنونده

امام (علیه السلام) در میان یاران خود و سربازان حر این خطبه را بیان کردند. (ابومخنف، ۱۳۹۸: ۸۵) علامه مجلسی و ابن اعثم معتقداند که این خطابه، متن نامه‌ای است که اباعبدالله (علیه السلام) پس از سختگیری حر و فرود آوردن آنها در نزدیکی عذیب الهجانات، برای کوفیان نوشته‌اند و به وسیله قیس ارسالش نموده‌اند. (هیئت تحریریه انجمن کادح، ۱۳۹۳: ج ۲، ۱۵۴)

۴-۱-۳- گوینده

سیدالشهدا (علیه السلام) در طول مسیر، به خصوص از زمانی که با سپاهیان حر مواجه شدند، در سخنان خود بارها به مسئله نامه‌های کوفیان، بیعت آنها، جایگاه خود و امویان در جامعه و موارد دیگر اشاره می‌نمودند و حجت را بر افراد تمام می‌کردند.

۴-۱-۴- بررسی کنش‌های گفتاری

بررسی کنش‌های گفتاری خطبه‌ی امام (علیه السلام) در بیضه

پاره گفتار	کنش گفتاری مستقیم	کنش گفتاری غیر مستقیم
أَيُّهَا النَّاسُ	ترغیبی	
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا، مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ	ظهارى	علامى و ترغيبى
وَأَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ	ظهارى	علامى و ترغيبى
قَدْ أَتَتْنِي كُتُبُكُمْ وَ قَدِمْتَ عَلَيَّ رِسْلُكُمْ بِيَعْتِكُمْ أَنْكُمْ لَا تَسْلُمُونِي وَ لَا تَخَذُلُونِي	ظهارى	
فَإِنْ تَمَّتُمْ عَلَيَّ بِيَعْتِكُمْ تَصِيَّبُوا رِشْدَكُمْ	ظهارى	
فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِيكُمْ، فَلَكُمْ فِيَّ أَسْوَأُ	ظهارى	ترغيبى
وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَنَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ وَخَلَعْتُمْ بِيَعْتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، فَلَعَمْرِي مَا هِيَ لَكُمْ بَنَكْرٌ، لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَأَخِي وَابْنِ عَمِّي مُسْلِمٌ	ظهارى	عاطفى
وَالْمَغْرُورُ مِنْ اغْتَرَّ بِكُمْ، فَحَظَّكُمْ أَخْطَأْتُمْ، وَنَصِيْبُكُمْ ضَيَّعْتُمْ وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكَثُ عَلَى نَفْسِهِ	ظهارى	عاطفى
وَسَيُغْنِي اللَّهُ عَنْكُمْ	ظهارى	عاطفى
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ	عاطفى	علامى

کنش‌های اظهارى و ترغیبی بیشترین بسامد را در این خطبه دارند، زیرا امام (علیه السلام) درصدد آگاه کردن مخاطبان بودند و غیر مستقیم و ضمن کنش اظهارى با بیان ردیلت‌های امویان

و فضیلت‌های خود، غیر مستقیم آنها را شایسته‌ی خلافت نمی‌دانند و خود را به‌عنوان شایسته‌ترین فردی که می‌تواند درصدد تغییر اوضاع باشد معرفی می‌نمایند و از کنش اعلامی بهره جسته‌اند؛ همچنین حضرت، مردم را از پیروی از آنان منع و به خود جذب نموده و از کنش ترغیبی استفاده کرده‌اند. ایشان در جمله‌ی «فلکم فی أسوء» با استفاده از تقدیم ما حقه التاخیر بر روی دو طرف واقعه که مخاطبان کوفی و خود حضرت هستند، تمرکز نموده و خبری می‌دهند که درباره‌ی واقعیت است؛ بنابراین کنش اظهاری، محسوب می‌شود. سیدالشهدا (علیه‌السلام) این بار، زمانی که به کراهت و پیمان‌شکنی کوفیان نسبت به خود اشاره نمودند، چون دیگر نمی‌توانستند به حجاز برگردند، مانند سخنان پیشین‌شان از کنش تعهدی استفاده نکردند بلکه کوفیان را ذم نموده و بی‌وفایی ایشان را نسبت به پدر و برادر خود یادآور شدند؛ درنتیجه، کنش اظهاری و عاطفی رویت می‌شود. امام (علیه‌السلام) در آخر، با کنشی اظهاری خبر داده‌اند که در آینده، خدا ایشان را از مردم بی‌نیاز می‌کند اما این پاره‌گفتار نشان‌دهنده‌ی حالت روحی سیدالشهدا (علیه‌السلام) است زیرا دیگر از یاری مردم ناامید شده‌اند اما فخر و بزرگی خود را حفظ می‌کنند؛ درنتیجه، کنش عاطفی رخ می‌نماید.

نتیجه

در زمانی که تهدید جان امام (علیه‌السلام) از جانب دشمنان، جدی است؛ حضرت از مکه تا کربلا سخنانی گفتند و نامه‌هایی نوشتند که دارای کنش اظهاری و غیرمستقیم دارای بیشترین بسامد بوده‌است. در کنش اظهاری، گوینده درباره‌ی جهان به همان شکل که وجود دارد سخن می‌گوید و ایشان نیز با بیان حقایق درباره‌ی امویان و بنی هاشم به دنبال آگاه کردن مخاطب بودند و گاه با استفاده از ادات تاکید، به اهمیت گزاره‌ی ارائه داده‌شده صحنه می‌گذاشتند. حضرت حتی بسیاری از کنش‌های غیر مستقیم خود را در قالب کنش اظهاری مستقیم بیان نموده‌اند و این مسئله نشان‌دهنده‌ی اهمیت آگاهی و تفکر مسلمانان در نزد ایشان است؛ زیرا مخاطب مستقیماً با دلالت ظاهری پاره‌گفتارها مواجه است و بیشترین تأثیر را از آن می‌گیرد.

کنش‌های عاطفی مستقیم و غیر مستقیم تقریباً یکسان به کار رفته‌اند. این کنش بیشتر در قالب دعا و بیان احساسات سیدالشهدا (علیه‌السلام) نمود می‌یابد و در سخنانی دیده می‌شود که مخاطبان از نزدیکان حضرت هستند، البته در گفت‌وگو با شخصیت حر نیز به خاطر وجود تعجب، تهکم، فخر، نفرین و... کنش‌های عاطفی زیادی به چشم می‌خورد.

کنش ترغیبی که به معنای درخواست و نهی مخاطب از انجام کاری است، در قالب سوال، امر و نهی‌های امام (علیه‌السلام) موجود است. حضرت این کنش را بیشتر به‌صورت غیرمستقیم به‌کار برده‌اند، و بیشتر در قالب کنش‌های اظهاری مستقیم، اوامر و نواهی خود را به مخاطب

رسانده‌اند؛ زیرا اعتقاد داشتند که مخاطب‌شان با تکیه بر درک و فهم موقعیت باید برای انجام کارها تصمیم گیرد.

اباعبدالله (علیه السلام) از کنش تعهدی بیشتر به شکل غیرمستقیم بهره برده‌اند و بیان نموده که خود را ملزم به چه کاری کرده‌اند. ایشان در مواقع تصمیم‌گیری و ارائه‌ی برنامه‌ی آینده‌شان از کنش تعهدی بهره گرفته‌اند بنابراین بسامد کنش تعهدی غیر مستقیم از شکل مستقیمش بیشتر است.

کنش اعلامی مستقیم، پایین‌ترین بسامد را داراست اما در حالت غیرمستقیم درصد قابل توجهی از کل کنش‌های گفتاری را به خود اختصاص داده‌است. گوینده در کنش اعلامی، با گفتن چیزی، به دنبال تغییری در جهان است و می‌توان گفت که اباعبدالله (علیه السلام) با استفاده مستقیم از چنین کنشی و اعلام وانتصاب و برکنار کردن، خیلی درصدد ایجاد تغییر در جامعه‌ی خود نبوده‌اند؛ بلکه به شکل غیرمستقیم و با استفاده از کنش‌های اظهاری و عاطفی درصدد اعلام کردن شروع و پایان خطبه‌ها و نامه‌هایشان بودند؛ همچنین با کنش اظهاری و معرفی خاندان خود و بنی امیه، درصدد معرفی خود و برکناری خلفا کوشیده‌اند که این امر بیشتر در نامه‌ی اول ایشان به کوفیان و خطبه در بیضه رویت می‌شود.

کتابنامه

- اروجی، محمدرضا، رحمانی، جواد (۱۳۹۵) مکاتب زبانشناسی (از عهد عتیق تا دوران معاصر)، انتشارات گپوا، تهران، ایران.
- چیمن، شیوان (۱۳۸۴) از فلسفه به زبان‌شناسی، ترجمه‌ی حسین صافی، گام نو، تهران، ایران.
- سرل، جان (۱۳۸۷) افعال گفتاری، ترجمه‌ی محمدعلی عبداللّهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۶) آینده‌داران آفتاب، ج ۱، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ایران.
- صانع‌پور، محمد حسن (۱۳۹۰) مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
- هیئت تحریریه انجمن کادح (۱۳۹۳) اولین روزشمار جامع تاریخ عاشورا، ج ۲، ندای کادح، تهران
- یول، جورج (۱۳۸۵) کاربردشناسی زبان، ترجمه‌ی محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ دوم، سمت، تهران، ایران.
- _____ (۱۳۸۸) بررسی زبان، ترجمه‌ی علی بهرامی، چاپ سوم، انتشارات رهنما، تهران، ایران.
- ابن الاثیر، مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد (۱۳۹۹) النهاية فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق طاهر أحمد الزاوی، المكتبة العلمية، بیروت، لبنان.
- اوشان، علی آیت (۱۴۲۱) السياق و النص الشعری من البنية الى القراءة، دار الثقافة، د. ن.

٢٥٠ / محور: مطالعات زبانی و ادبی / الدراسات اللغوية والأدبية

- البلاذري، أحمد بن يحيى (١٤١٧) أنساب الأشراف، تحقيق سهيل زكار ورياض الزركلي، دار الفكر، بيروت، لبنان .
- خوارزمي، موفق بن احمد (١٣٨١) مقتل الحسين عليه السلام، ج١، انوار الهدى، د.ن.
- السيد بن طاووس (د.ت) اللهوف على قتلى الطفوف، العالم، د.ن.
- الطبرسي، فضل بن حسن (١٤١٧) اعلام الوری بأعلام الهدی، ج١، تحقيق مؤسسة آل البيت، قم، ايران.
- الطبري، محمد بن جرير (١٨٧٩) المنتخب من ذيل المذيل من تاريخ الصحابة والتابعين، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، لبنان.
- عطاردي، عزيزالله (د.ت) مسند الإمام الشهيد أبي عبد الله الحسين بن علي (ع)، عطارد، د.ن.
- عكاشه، محمود (٢٠١٣) النظرية البراجماتية اللسانية (التداولية): دراسة الفاهيم والنشأة والمبادئ، المكتبة الآداب، القاهرة، مصر.
- ابو مخنف، لوط بن يحيى بن سعيد (١٣٩٨) مقتل أبي مخنف، تعليق ميرزا حسن الغفاري، المطبعة العلمية، قم.
- Basra. S. M, Thoyyibah. L (2017) “A SPEECH ACT ANALYSIS OF TEACHER TALK IN AN EFL CLASSROOM”, International Journal of Education, No. 1 (81-73).
- Verschueren. J (1999) Understanding Pragmatics, Oxford University Press, London.